

تحلیل الگوی تعاملات فضایی عشایر با تأکید بر جریان سرمایه (مورد مطالعه: زیست بوم طایفه بابادی ایل بختیاری)

فرزاد محمودیان - دانشجوی دکتری گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

وحید ریاحی* - دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

فرهاد عزیزپور - دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۹ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۸ آذر ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: تمایزات فضایی فعالیت کنشگران عشایری بدنبال گسترش زیرساخت‌های روابط - مناسبات سرمایه بر پدیدار گردید. به گونه‌ای که بیشتر از اینکه متکی به منابع تولیدی و ویژگی‌های درون قلمروی برای خدمت ارزش اضافی باشد به شدت تحت تأثیر گونه‌های تعاملات برون قلمروی زیست‌بوم (شهرها-روستاها) است. در این راستا، عدم تعادل فضایی شکل داده که بهیچ‌وجه زیرساخت‌های ارتباطی، بسترهای خلاقیت را برای برنامه‌ریزی پایداری توسعه و یکپارچگی زیست بوم فراهم کرده است.

هدف پژوهش: در چارچوب پارادایم شبکه‌ای با تأکید بر رویکرد اصول شبکه منطقه‌ای بدنبال تحلیل نقش و کارکردهای سامانه‌های بیلابلی و قشلاقی درون قلمروی زیست‌بوم و روابط - مناسبات و پیوندهای برون قلمروی زیست بوم با شهرها و روستاها مبنی بر نگهداشت سرمایه و انتقال اندوخته‌ها (نگهداری در بانک، صندوق و تعاونی‌ها، خرید و اجاره ملک و مستغلات، افزایش دام و تولیدات، بیمه) به منظور کسب ارزش بیشتر است. از جمله این تأثیرات به تمایزات فضایی سامانه‌ها و تداخل کاربران بر منابع همدیگر اشاره نمود.

روش‌شناسی تحقیق: به لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها با توجه به ماهیت پژوهش، کتابخانه‌ای و به صورت بازدید میدانی مبنی بر تمام شماری سامانه‌ها در سطح زیست بوم هستند. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه، و فن پرسشگری جمع آوری شده است. سپس از روش تحلیل شبکه فضایی (که اساس آن به روش تحلیل شبکه اجتماعی بر می‌گردد) استفاده شده است. در چارچوب این روش معیارهای اساسی تحلیل مبتنی بر شاخص-های طبقه بندی شده جریانات ذیل روابط مفهومی عناصر انطباق یافته شبکه‌ها هستند. ابزار مورد استفاده برای تحلیل نیز نرم‌افزار (Ucinet) است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: سامانه‌های بیلابلی واقع در دهستان شوراب تنگزی و سامانه‌های قشلاقی پیرامون دهستان‌های (لالی، اندیکا، گنوند، شوشتر، مسجد سلیمان) به مثابه کل زیست‌بوم و همچنین میان بندهای (چما، خون کشته، زرده، لپد، چلو، شیمبار، منار) مد نظر قرار گرفت.

یافته‌ها و بحث: برای برنامه‌ریزی متمرکز و تجدید ساختار سرمایه گذاری برای دستیابی به پایداری توسعه کل زیست‌بوم یکپارچه، نیازمند شناخت الگوهای فضایی تعاملات ویژگی‌های روابط - مناسبات پیدا و پنهان میان درون و برون قلمروی است.

نتایج: ماهیت جریان سرمایه متکی به منابع محیطی (فضای چراگاه و مرتع)، عرضه و تولیدات دامی، با نقش‌پذیری کانون‌های شهری لالی، زیست‌بوم محدوده به سه شهر اصلی در همسایگی زیست‌بوم است. با پیروی از الگوی فضایی قطبی اندوخته‌های مالی و سرمایه برای خرید خانه و ملک در مجاورت سامانه‌های قشلاقی و برای خرید و افزایش دام به سامانه‌های بیلابلی زیست‌بوم انتقال می‌یابد. از اینرو، رتبه اول، دوم، سوم را شهرهای لالی، فارسان و شهرکرد و سامانه‌های بیلابلی گلچین، چمدر و آب بخشان رتبه‌های چهارم، پنجم و ششم را به خود اختصاص داد.

کلیدواژه‌ها: تعاملات فضایی، جریان سرمایه، زیست‌بوم عشایری، طایفه بابادی.

تعاملات متأثر از نوع و ماهیت جریان‌های سرمایه در چند دهه اخیر به سرعت گسترش یافته که بهبود زیرساخت‌های ارتباطی نیز نقش اساسی در این زمینه داشته‌اند. این مناسبات بطور محسوس و نامحسوس اثرات متنوع و گسترده‌ای بر درون قلمروی زیست بوم عشایری (سامانه‌های ییلاقی، قشلاقی و میان بندها) و برون قلمروی (ارتباط سامانه‌ها با روستاها و شهرها) دارد. در گذشته فعالیت دآمداری با نقش مکملی بر سایر الگوی فعالیت‌های کشاورزی روستاها و خدمات و صنعتی شهرها غلبه داشته و از اثر گذاری بالاتری برخوردار بوده است که با گسترده‌ی روابط و بزرگتر شدن فعالیت‌های ارگانیک روستایی و مدرن شهرها، فعالیت مکانیکی زیست بوم‌های عشایری در بستر رابطه تقابلی مغلوب گردید و منجر به طرد و عقب راندن فعالیت عشایری به عنوان کنشگاه میانی جریان مواد غذایی و طبیعی متکی به عامل‌های دام و فرآورده‌های به منظور کسب ارزش اقتصادی شد. با گسترش تکنولوژی و بهبود شرایط تولید، سرمایه مازاد هم به شکل ظرفیت تولیدی بلااستفاده یا سرمایه پولی فاقد فرصت‌های سرمایه گذاری سود آوری شکل گرفت بر این اساس عشایر با ایجاد فعالیت گروهی - تولیدی بنا به شرایط اجتماعی - اقتصادی نیز به عنوان مجموعه‌ای از منابع، در خدمت تولید ارزش اضافی قرار گرفتند با ورود سایر کنشگران سرمایه بر و اتکای فعالیت‌های روستایی - شهری به منابع بالقوه و بالفعل زیست بوم عشایری نحوه انتقال سرمایه مازاد و عایدات مالی و روابط - مناسبات تولیدی دام و شیوه تولیدات و فرآوری بین عناصر سیستم محیطی از شیوه قبلی خود تغییر جهت داد که این خود، مقدمه ایجاد سرمایه بیشتر از منابع زیست عشایری به شهرها و روستاها شد. در نتیجه این فرآیند، به لحاظ اینکه ارزش زمین و تغییر کاربری اراضی مرتعی به فعالیت دلخواه شهر و روستا، فضاهای عشایری به کالایی اقتصادی تبدیل شده است. وضعیت تعاملات یکسویه و عدم پیوند تجلی فضایی تغییر فضا، عدم تعادل فضایی منطقه‌ای و محلی را به دنبال دارد. آنچه که موجب عدم تعادل فضایی می‌شود، گردش جریان سرمایه بین نواحی زیست بوم است. زیرا برخی نواحی با ارزش افزوده فزاینده مواجه هستند در مرحله بعد عدم تعادل فضایی ایجاد شده، موجب اختلال در روند گردش جریان سرمایه می‌شود. بر این مبنا، فعالیت عشایر همراه با علاقه تحرک چند مکانی و پیوند عاطفی اجتماعی - اقتصادی الگوی از تعاملات یکسویه توأم با سلطه و ارگی را شکل می‌دهد.

مطالعه جوامع عشایری و بومی‌ها برای جغرافیدانان و مردم شناسان پر اهمیت تلقی می‌گردد این موضوع به دوران یونان باستان برمی‌گردد (Prager, 2012). زیست مکانیکی عشایری همیشه روابط نزدیک با جوامع مستقر و سازمان‌های سیاسی بی تحرک داشته‌اند (Khazanov, 1984). در مقیاس منطقه‌ای، فضای درک شده عشایر، مجموعه‌ای تعاملات از کمپ‌های (بُهون) موقت که توسط مسیرهای سفر و کوچندگی به هم مرتبط و تولید می‌شود. سیاه چادرها به عنوان فضای ادراکی زودگذر، سازگار با الزامات ابزارهای تولید گله دامی و اقتصادی (چوپانی گسترده) تحت شرایط آب و هوای معمولی محیط‌های (Prussin, 1995)، درون قلمروی، اجتماعی فضایی زیسته عشایری تولید و باز تولید می‌شود. ویژگی‌های قوی زیست کوچندگان عشایری مبتنی بر تولیدات دام و فرآوری محصولات (خود یا دگر مصرف)، مرزبانی، پرتحرکی و دوره‌ای موسمی، برپایی سیاه، تاشوی و جمع آوری وسایل و ابزارهای پناهگاه، قابلیت دسترسی و حمل آسان اثاثیه و ... نسبت به سایر زیست ثابت برخوردار است که در بستر مکانی - فضایی همراه اقلیم‌های متفاوت و آب و هوای گرم و سرد (حداقل امکانات) برای تأمین و امنیت مواد غذایی، مدیریت منابع محیطی و پاسخگویی به خواسته‌ها و ترجیحات درون و برون قلمروی زیست بوم تحت شدت تعاملات فضایی است تا فضای آرامش روحی و روانی آنان فراهم گردد. برپایه گفتمان فضای لوفوری (۱۹۷۴)، فضا هم تولید و هم مصرف می‌شود. با برهم نشست تولید مادی، تولید ایدئولوژی و تولید مفهوم مکان در یک زمان، روابط مفهومی عناصر شبکه‌های اجتماعی فضایی در یک فرآیند تریالکتیکی تولید و باز تولید می‌شود (Lefebvre, 1991:38) که نه تنها همدیگر نقض نمی‌کنند لیکن مکمل و بقای عامل یکدیگر نیز هستند (Pillai, 2013; Mueller, 1958:411-414) و بصورت پیوسته در یک مکان و زمان فضای زندگی روزمره اتفاق می‌افتد. از اینرو؛ الگوی زیست عشایر تصویری از فضای تولید شده به منظور یکسان سازی شیوه زیست سنتی یا حتی فضای تولید شده اجتماعی آنان نیست بلکه تنوع زیادی در روابط اجتماعی، تخصیص اقتصادی و تعلق چند مکانی بین عناصر پراکنده سیستم فضایی محیطی با شدت درجه تحرک به حالت پویا

۲. بر نگرش تعامل گرایانه و پیوند میان فضای عناصر تریالکتیک (عینی، ذهنی، ادراک زیستی) در راستای ارائه نظریه واحد تولید فضا (تولید و باز تولید) تحت عنوان روابط اجتماعی فضایی اهتمام می‌ورزد (Merrifield, 1993:522). به تعبیر وی، این عناصر مستقل نیستند و تعامل میان آنها به تولید فضای منتهی می‌شود که پایداری را به حوزه تنوع بوم زیستی و اجتماعی وارد می‌کنند (Milgrom, 2008:270-269) و مجموعه‌ای از روابط و اشکال اجتماعی است که بواسطه اشیای تولید شده و روابط متقابل بین آنها، یک محصول تولیدی است که شامل روابط اجتماعی باز تولید (روابط زیستی فیزیولوژیک بین جنس‌ها و گروه‌های سنی و سازمان خانواده) و روابط تولید (تقسیم کار و سازمان آن در شکل کارکردهای اجتماعی سلسله مراتبی) است (افروغ، ۱۳۹۶: ۵۴).

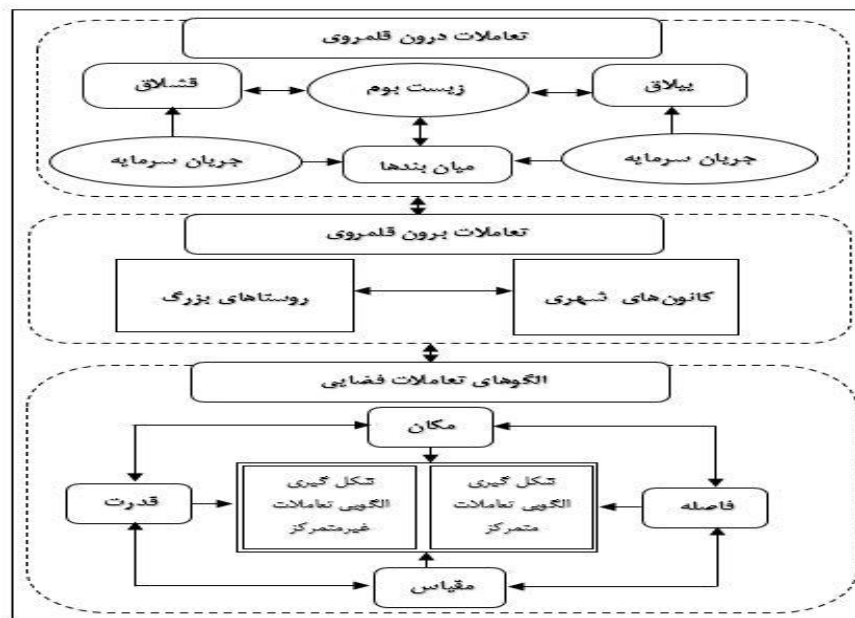
در توپولوژی شبکه‌ها است که منجر به تولید روابط فضایی واحد می‌شود. به نقل از تاکولی (۱۹۹۸-۲۰۰۷)، فعالیت شهری و روستایی به منابع همدیگر وابسته‌اند و الگوی زیست شهری به فعالیت کشاورزی و الگوی زیست شهری به فعالیت غیر کشاورزی متمایل‌اند که به دور از مطالعه مناسبات فیزیکی بین آنان و در مقابل تمرکز قویتر بر روابط متقابل بین آنهاست این تمرکز با رویکردهای اخیر در زمینه الگوهای فضایی و تعاملات بین رشته‌ای همچون روابط مفهومی عناصر شبکه‌های اجتماعی و جغرافیای رابطه‌ای انسانی در الگوهای زیست ارتباط تنگاتنگی دارد (Lynch, 2005:2). هر زیست بر اساس هویت فرهنگی- اجتماعی، عامل‌های اقتصادی و منابع محیطی فضای درونی زندگی خود با مقیاس‌های مختلف بدنبال کسب مقبولیت اجتماعی و مطلوبیت اقتصادی در بستر بهره برداری از منابع محیطی به شیوه درست می‌باشد. مرزهای شهری سکونتگاهها معمولاً مبهم تر از تصور اداری هستند، به ویژه هنگامی که استفاده شهری از منابع روستایی در نظر گرفته شود، پیوندهای شهری و روستایی در یکدیگر (Aung et al, 2019:113) و زیست عشایری آغاز شده است.

گسترش ارتباطات در آفریقا، خاورمیانه، اروپا، آفریقای جنوبی و مرکزی، آمریکای جنوبی،... با وجود اینکه عشایر به طور سنتی به عنوان حاشیه‌ای، مهجور شناخته می‌شود، به این معنی است، ۱۰ درصد از تولید جهانی گوشت، نقش حیاتی در بسیاری از مناطق محلی، منطقه‌ای و ملی ایفا می‌کند (Morton, 2010) و هژمونی عقلانیت فضایی زیسته بی تحرک شهری، ایدئولوژی و شکل متضادی از تولید فضا را در رابطه با آنچه جوامع شبانی تولید و ارائه می‌کند. از این رو، سیاست‌های توسعه‌ای که تحت این پارادایم انجام می‌شود برای دآمداری از نظر زیست محیطی پایدار و از نظر اقتصادی مقرون به صرفه، با فضای تجویز شده دولت مدرن ناسازگار است. با فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی شبانی برخورد کرده و عرصه‌ای برای مبارزه فضایی ایجاد کرده است. در سال‌های اخیر، درک جدیدی از روابط بین فعالیت‌های شبانی و اکولوژی‌های سرزمین خشک و نقش دآمداری در اقتصاد محلی و ملی، شروع به تغییر نگرش‌ها، سیاست‌ها و قوانین دولت کرده است. قوانین جدید از زمین های مرتعی و دسترسی دامداران به منابع طبیعی محافظت می‌کند. در واقع، نیجر در سال ۱۹۹۳ قوانین خود را برای استفاده از زمین های شبانی اصلاح کرد و به دنبال آن مقررات مشابهی در گینه، موریتانی، مالی، بوركینا فاسو، سودان و مغولستان اعمال شد. ساخت مسیر ترکانا (Turkana) برای دامداران تورکانا (Turkana pastoralists). در شمال کنیا، سیالیت ثابت نمادین با مسیرها و فرآیندها، جوهر ارتباط فضایی آنها را تشکیل می‌دهد (Broch Due, 2000:53-93). مسیر زنجیره غذایی منابع طبیعی، علف و آب مصرف شده و تبدیل شده توسط دام برای تولید شیر و گوشت باعث حیات و رشد بدن انسان می‌شود با مسیرهای فضایی ایجاد شده در طول سفر بین مراتع و کمپ‌ها مرتبط است. به نوبه خود، مسیر تحرک فضایی، مناظر اجتماعی سیال متشکل از تعاملات، روابط و معاملات را ایجاد می‌کند، زیرا دامداران با یکدیگر روبرو می‌شوند، با هم سفر می‌کنند و سپس به مقصدهای جداگانه عزیمت می‌کنند (Broch Due, 1999:50-88). این مسیرها، به جای مکان‌ها، تاریخ و هویت مشترک دامداران تورکانا را در خود جای داده‌اند، که با اولین مسیری که توسط «مادر قبیله‌ای» اجدادی که گاو ولگردی را دنبال می‌کرد تا تورکانالند را کشف کند، شروع می‌شود و با مسیرهای بعدی مهاجرت و جابجایی ادامه می‌یابد. مکان‌ها در امتداد خطوط تحرک دائماً تولید و باز تولید می‌شوند، نه به عنوان نشانگرهای هویتی ثابت، بلکه به عنوان مکان‌های زودگذری که فرآیند ساخت مسیر را پشتیبانی می‌کنند. بدین ترتیب با ظهور جامعه شبکه‌ای و تحول تکنولوژیک (کاستلز، ۱۹۸۰ مترجم علیقیان و همکار، ۱۳۸۹:۲۴) کنشگران سه گانه زیست، الگوهای تعامل گرایانه مکانی و جریان مبنایی متقابل را از منابع بالقوه و بالفعل فنی- اقتصادی به صورت یکسان و اندام وار برای تمامیت کنشگران توپولوژیک توام با دلبستگی‌های میان کنشگران فضایی زیست بوم ایفا می‌کند.

در راستای مطالب مطروحه، توجه به اصول شبکه منطقه‌ای به منزله یک مداخله راهبردی است که می‌تواند روابط و فرآیند پایداری درون و برون قلمروی را تسریع بخشد و گامی مثبت در جهت تقویت تعاملات زیست بوم عشایری بردارد. ادوارد اولمن (۱۹۸۰) اهمیت مفهوم فضایی تعاملات را همسان اهمیت موضوع تعامل انسان و محیط مطرح کرد (Pitzl, 2004:235) که در کاهش تعاملات یکسویه جریانات بینابین نظام معیشت و برتری زیست بر زیست دیگر در توپولوژی و وابستگی‌های شبکه بصورت پویا ایفا کند. این دیدگاه بر خلاف رویکرد نوسازی و مدل مرکز- پیرامون مبنی بر اجرای طرح های مقطعی نظیر؛ ساماندهی، اسکان، پروژه‌های مقطعی، جدا انگاری سامانه‌ها) بر پایه پیوستگی ساختاری- کارکردی و همپیوندی بین توسعه فضایی و تعاملات شبکه‌ای در نظام ملی با تأکید بر زیست بوم یکپارچه به عنوان پیش نیاز سایر زیست‌ها، توجه می‌نمایند. از طریق مجموعه‌ای از شاخص‌های طبقه‌بندی شده شبکه‌های اجتماعی مبنی بر نوع و ماهیت جریانات پنجگانه اصول شبکه منطقه‌ای (مردم، تولید، کالا، سرمایه، اطلاعات) بین منابع بالقوه و بالفعل با تعاملات دوسویه، همپیوندی ایجاد می-

گردند (Douglass, 1999:30). با محاسبات جغرافیایی شاخصه‌های جریانات ذیل روابط مفهومی عناصر انطباق یافته جغرافیای رابطه‌ی انسانی و شبکه‌های اجتماعی مانند: مکان، مقیاس،^۶ فاصله،^۷ قدرت (Radil et al, 2018:2 & Smit, 1980:520) به عنوان یک متد جدید، پایداری فضای زیسته و پایداری توسعه زیست بوم منتج می‌گردد (Karpplus et al, 2012:23 & Byambaa et al, 2021:2).

زیست بوم عشایری که بواسطه تغییر و تحولات کانون‌های شهری و روستاهای بزرگ در این چند دهه تأثیر زیادی را تجربه کرده، از جمله این تأثیرات می‌توان به رشد سریع و هنجار منطقه، رشد و توسعه جمعیت منطقه و تمایزات فضایی منطقه اشاره نمود که گردش سرمایه ناشی مبنی بر نگهداشت سرمایه و انتقال اندوخته‌ها (نگهداری در بانک، صندوق و تعاونی‌ها، خرید و اجاره ملک و مستغلات، افزایش دام و تولیدات، بیمه) به منظور کسب ارزش بیشتر است. برنامه ریزی فضایی، به مفهوم هدفمندی در بهره‌برداری بهینه از تلفیق سه عامل انسان، فضا و فعالیت است. ساختار اقتصادی کشور بر اساس سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اقتصادی شکل گرفته است، در چگونگی تعاملات به عنوان یکی از پارادایم سازمان فضایی به بهره‌برداری از منابع و عوامل تولید، تعیین و تخصیص منابع بخش مکان‌ها و مناطق تمرکز دارد. از با اقتباس از مدل مفهومی الگوی تعاملات فضایی شبکه‌ای، پژوهش نظریات مورد بحث ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس روش، توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها با توجه به ماهیت پژوهش، کتابخانه-ای و میدانی بوده است. این پژوهش مبتنی بر استفاده از روش شبکه‌های اجتماعی برای تجزیه و تحلیل داده و اطلاعات شاخص‌های جریان سرمایه کنشگران فضایی زیست بوم طایفه بابادی است. گام‌های اصلی پژوهش عبارتند:

گام اول-جامعه آماری و تعیین حجم نمونه: برای سنجش متغیرهای جریان سرمایه زیست بوم مورد مطالعه، کل سامانه‌های (بیلاقی و قشلاقی) دهستان شوراب تنگزی یعنی ۶۵ سامانه مورد تحلیل قرار گرفتند. سپس فرآیند نمونه‌گیری از سامانه‌ها عشایری انجام شد. برای

2. Production Flow
3. Commodities Flow
4. Capital Flow
5. Information Flow
6. Place
7. Scale
8. Distance
9. Power

انتخاب نمونه از جامعه آماری ۱۶۴۳ سرپرستان خانوار عشایری مورد سنجش قرار گرفت. از اینرو، حجم جامعه نمونه سرپرستان خانوار عشایری با استفاده از روش کوکران، تعداد ۳۱۱ نفر به عنوان حجم نمونه برای توزیع و تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. به این ترتیب که با بهره گیری از حدود اطمینان ۹۵٪ و ضریب دقت ۵٪ درصد حجم نمونه از طریق فرمول زیر تعیین شده است. بنابراین:

$$n = \frac{\frac{t^2 \cdot pd}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 \cdot pd}{d^2} \right) - 1} = \frac{\frac{(1.96)^2 \times (0.5)(0.05)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{1643} \left(\frac{(1.96)^2 \times (0.7)(0.3)}{(0.05)^2} - 1 \right)} = \frac{322.16}{1.2} = 311.51 \approx 311$$

(۱)

جدول ۱. میزان حجم نمونه زیست بوم مورد مطالعه

ردیف	سامانه	جامعه آماری	حجم نمونه	ردیف	سامانه	جامعه آماری	حجم نمونه
۱	گلچین	۷۹	۹	۳۴	چم جاور	۲۴	۴
۲	دارکان	۷۲	۸	۳۵	دره چنبدینه	۲۷	۵
۳	آب بخشان	۴۳	۷	۳۶	چشمه کرباسی	۲۲	۹
۴	آب باریک	۵۵	۸	۳۷	دره کوانک	۱۹	۹
۵	چما	۹۳	۱۰	۳۸	توف سفید	۱۸	۵
۶	آسیاب شفیع	۴۹	۹	۳۹	قلاتک	۳۸	۴
۷	لاخشک (شیخ علی خان)	۱۱۱	۱۱	۴۰	آرپناه	۱۴	۴
۸	بهلشت	۵۱	۶	۴۱	پل پرزین	۱۳	۴
۹	لاخشک (تیشردون)	۷۲	۴	۴۲	انبار سفید	۸	۴
۱۰	چمدر	۳۶	۹	۴۳	سرگچ	۱۰	۵
۱۱	چم سوخته	۲۶	۸	۴۴	شلال دشتگل	۱۶	۴
۱۲	مرغ فولاد	۳۹	۴	۴۵	پشت درب عقیلی	۹	۴
۱۳	لاخشک (فانی آباد)	۴۴	۴	۴۶	پبده	۲۰	۳
۱۴	دره نمک	۳۸	۴	۴۷	تراز	۹	۴
۱۵	آبجره	۱۸	۵	۴۸	پلی	۱۳	۳
۱۶	زرآباد	۲۱	۵	۴۹	دره بوری	۶	۳
۱۷	طاهرآباد	۲۶	۶	۵۰	هارکله	۵	۲
۱۸	بسپرستان	۳۴	۴	۵۱	کهناب	۶	۳
۱۹	سیلا گرگک	۳۷	۴	۵۲	قلعه میدان	۷	۴
۲۰	شیرینستان	۳۳	۳	۵۳	آبگرم	۸	۴
۲۱	جوجار	۲۶	۶	۵۴	بوستان	۷	۳
۲۲	سرمور	۲۷	۵	۵۵	لهبری	۷	۴
۲۳	دره چپ	۲۲	۶	۵۶	چهار تنگ تینا	۹	۳
۲۴	دره عبدالرضا	۱۸	۴	۵۷	هتی	۹	۴
۲۵	چشمه کلانتر	۱۶	۵	۵۸	بتوند	۱۰	۴
۲۶	چشمه خونی	۲۰	۳	۵۹	کفت کلخنگ	۹	۴
۲۷	گاخفت	۱۶	۵	۶۰	زرستان	۹	۳
۲۸	چشمه قنات	۲۵	۴	۶۱	سیکوند	۸	۵
۲۹	چشمه چلک	۲۲	۲	۶۲	گچ گرسا	۸	۴
۳۰	چشمه اسد	۱۶	۴	۶۳	کوله جاز	۹	۳
۳۱	لاشیر	۲۱	۵	۶۴	قلعه خواجه	۱۰	۳
۳۲	قنبر کش	۱۵	۵	۶۵	شعبیه	۱۰	۴
۳۳	چم گشنه	۲۵	۶	-	-	-	-
مجموع						۱۶۴۳	۳۱۱

گام دوم-تعریف عملیاتی مولفه‌های پژوهش: به منظور تحلیل و استنتاج رابطه بین دو یا چند کنشگر فضایی در یک یا چند شبکه مطرح است که تعاملات و پیوند بین آنها از نظر شکل رابطه و محتوای در سطح بالاتری از تحلیل می‌توان تغییر یابد. یک شبکه متشکل از مجموعه‌ای از عناصر با یکدیگر است. نظام‌هایی که شکل شبکه را به خود می‌گیرند در دنیا بی‌شماری دارند، همانند شبکه‌های اجتماعی روابط دوستی و یا دیگر ارتباطات اجتماعی بین افراد و... نمونه‌هایی از انواع شبکه به شمار می‌روند (Newman, 2003: 168-169). بر اساس ماهیت شاخص‌های جریان (مرکزیت درجه‌ای، مرکزیت بینابین، تراکم، مرکزیت نزدیکی، خوشه‌ی، مرکز- پیرامون، قابلیت دسترسی) بین تعاملات کنشگران فضایی مرتبط برای نشان دادن حجم مرکزیت‌های کنشگران اجتماعی فضایی زیست بوم عشایری طایفه بابادی باشد (جدول ۲).

جدول ۲. روابط مفهومی الگوها، عناصر و جریانات انطباق یافته تعاملات شبکه‌ی زیست بوم

معیار	مفهوم	مفهوم	شاخص‌های	الگوهای	نوع و ماهیت
جغرافیای رابطه‌ی انسانی	شبکه‌های اجتماعی	منتخب	فضایی	جریان سرمایه	
الف) مجموعه مکان‌ها: مجموعه‌ای از تنظیمات محلی متنصر به فرد به دیگران متصل است؛ ب) مکان‌سازی: تنظیم راه حلی متنصر به فرد که از ب) اجتماع: شناسایی گروه متراکم طریق اقدامات مردم ایجاد می‌شود. الف) مجاورت فاصله: نزدیکی در فضای فیزیکی، عملکردی، شناختی و نهادی؛ ب) فاصله بوم شناختی (اکوژیک)؛ ج) فاصله ساختاری و اجتماعی	الف) مرکزیت: ارزیابی اهمیت گره در یک شبکه؛ ب) اجتماع: شناسایی گروه متراکم متصل گره‌ها در شبکه. الف) هموقی: تمایل به پیوند با دیگران مشابه الف) جاسازی: موقعیت کلی بازیگر در مجموعه‌ای از روابط؛ ب) خوشه: جامعه‌ای که به مرزهای اجتماعی، اقتصادی، مذهبی یا سیاسی	تراکم، مرکزیت درجه- ای، مرکزیت بینیت مرکزیت نزدیکی مرکز- پیرامون، خوشه‌ی ج) الگوی شبکه‌ی (کامل، خود محور، بخشی).	الف) الگوی متمركز (قطبی، تک مرکزی، شعاعی) ب) الگوی غیرمتمركز (خوشه‌ای، چند مرکزی، مرکز - پیرامون) ج) الگوی شبکه‌ی (کامل، خود محور، بخشی).	- نحوه انتقال اندوخته‌های مالی و مازاد سرمایه ناشی از عایدات فعالیت گروهی - تولیدی برای (خرید و فروش ملک و خانه، اخريد و فروش دام، اجاره چراگاه حاشیه مرتع ،پس چر زراعی و باغی و...)	
الف) قدرت رابطه‌ای: توانایی دسترسی به مردم و مکان‌ها در مقیاس‌ها و فاصله‌ها ب) کنش یک طرفه و کنش دوطرفه.	توانایی دسترسی و کنترل منابع از طریق جریان‌های شبکه	قابلیت دسترسی (فاصله ژئودزیک)			مقیاس (ب) مقیاس افقی: اندازه گیری یکپارچگی، عمومیت و محدوده شبکه مبنی بر نتیجه شبکه‌های اجتماعی و جغرافیایی. ج) مقیاس هستی‌شناسی مسطح الف) قدرت رابطه‌ای: توانایی دسترسی به مردم و مکان‌ها در مقیاس‌ها و فاصله‌ها ب) کنش یک طرفه و کنش دوطرفه.

منبع: Steven M.R & Olivier J. W, 2018 & Douglass M, 1999

گام سوم-تعیین روش، فنون و ابزار و جمع‌آوری داده‌ها: بر اساس ماهیت اکتشافی و بر مبنای روش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های و اطلاعات اولیه مورد نیاز با استفاده روش میدانی، فن پرسشگری و با ابزار پرسشنامه (بیلاق، قشلاق) جمع‌آوری شده است. داده‌های ثانویه نیز با مراجعه به سازمان‌های و نهادهای متولی، به دست آمده است. پایایی متغیرها در آزمون آلفای کرونباخ ارزیابی شد که حداقل مقدار ۷۰٪ برای پایایی تعیین شد. که تمامی مولفه‌ها و زیرمقیاس‌های آن از پایایی مناسبی برخوردارند و مقدار پایایی ترکیبی برای همه متغیرها بیشتر از ۷۰٪. به دست آمده است مراحل ضریب اطمینان پژوهش طی مراحل زیر انجام گرفت (جدول ۳).

جدول ۳. نوع و ماهیت جریان سرمایه زیست بوم

نوع جریان	متغیرهای درون قلمروی	متغیرهای برون قلمروی
- اجازه چراگاه؛ - خرید چراگاه، پس چر زراعی، مرتع، حقایه؛ - خرید و فروش دام	- نگهداری در بانک، صندوق و تعاونی‌ها؛ - خرید و اجاره ملک و مستغلات؛ - افراوری تولیدات دام و فراوری؛ - بیمه	

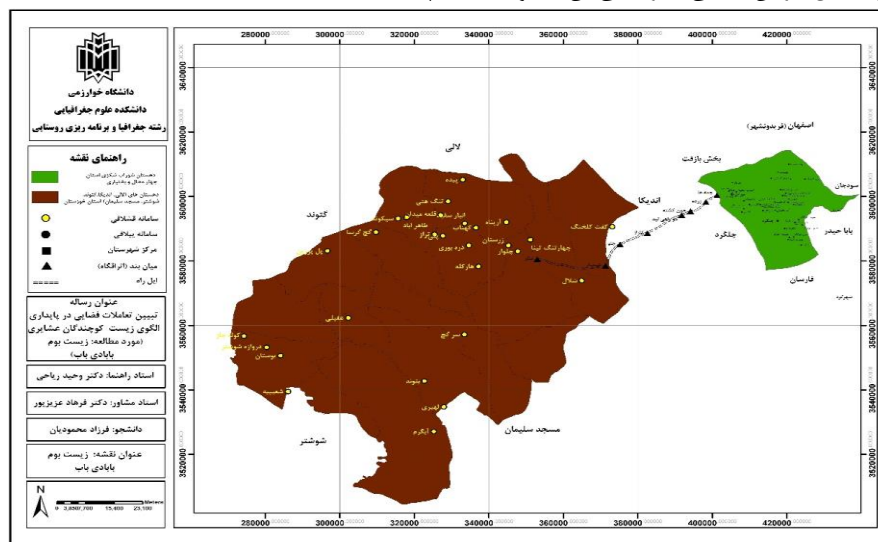
گام چهارم- روش و فنون تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات: با توجه به هدف پژوهش مبتنی بر شناسایی و تحلیل متغیرهای جریان سرمایه و خصیصه‌های آن، داده‌ها و اطلاعات در چارچوب پارادایم شبکه‌ای، و با فن تحلیل شبکه اجتماعی از طریق نرم افزار یوسی نت^۱ تجزیه و تحلیل شد (جدول ۴).

جدول ۴. معیارها و داده‌های الگوی شبکه تعاملات فضایی

معیار	نوع تحلیل	داده های مورد نیاز
روابط - مناسبات	بررسی شبکه‌ای (ماتریسات و گراف)	تحلیل داده ها و متغیرهای جریان سرمایه
شبکه زیست بوم	شاخص ها و عناصر شبکه‌های اجتماعی و جغرافیای رابطه‌ی	
تعاملات فضایی	زیست بوم	

قلمرو جغرافیایی پژوهش

مساحت زیست بوم ۲۳۱ هزار هکتار است که قلمرو ییلاقی ۴۵ هزار هکتار از شمال به شهرستان سودجان، باباحیدر، فارسان و از شرق به شهرکرد، اصفهان و از جنوب به چلگرد، تونل آبشار کوه‌رنگ، سلسله جبال زاگرس و از غرب به بخش بازفت ختم می‌شود (برنامه ریزی راهبردی عشایر چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰: ۲۵). قلمرو قشلاقی با مساحت ۱۸۶ هزار هکتار با پوشش مرتعی مرغوب در همسایگی کانون‌های شهری (لالی، اندیکا، گتوند، شوشتر، مسجد سلیمان) واقع در استان خوزستان، منتهی می‌شود و برنامه ریزی راهبردی عشایر خوزستان، ۱۳۹۰: ۲۵). بدلیل اینکه بیشترین ارتباط قلمروی زیست بوم پیرامون شهرهای لالی، اندیکا و شوشتر است، مساحت جغرافیایی گتوند و مسجد سلیمان در نظر گرفته نشد. حداقل طول شرقی جغرافیایی زیست بوم ببادی در محدوده ییلاقی ۳۲ درجه و ۲۸ دقیقه و حداقل عرض شمالی جغرافیایی آن ۵۰ درجه و ۷ دقیقه و حداکثر ارتفاع ۲۳۵۰ متر می‌باشد. حداقل طول شرقی جغرافیایی زیست بوم ببادی باب در محدوده قشلاقی اعم از سامانه‌های محدوده مطالعاتی شهر لالی (حداقل طول شرقی جغرافیایی ۹۸ درجه و ۴۸ دقیقه و حداقل عرض شمالی جغرافیایی آن ۴۷ و ۳۰ دقیقه)، شهر اندیکا (حداقل طول شرقی جغرافیایی ۹۸ درجه و ۳۱ دقیقه و حداقل عرض شمالی جغرافیایی آن ۴۵ و ۲۲ دقیقه)، شهر گتوند (حداقل طول شرقی جغرافیایی ۴۹ درجه و ۳۸ دقیقه و حداقل عرض شمالی جغرافیایی آن ۱۴ و ۳۲ دقیقه)، شهر مسجد سلیمان (حداقل طول شرقی جغرافیایی ۴۹ درجه و ۱۴ دقیقه و حداقل عرض شمالی جغرافیایی آن ۲۴ و ۳۲ دقیقه) و شهر شوشتر (حداقل طول شرقی جغرافیایی ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه و حداقل عرض شمالی جغرافیایی آن ۵۰ و ۳۲ دقیقه)، است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

منبع: نگارنده گان، ۱۴۰۱

به طور کلی نظام زیست بوم^۱ به همه محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی جریان دارد، گفته می‌شود. مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که با هم در کنش هستند محیط زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو و رفتار موجودات تأثیر می‌گذارند. مدیریت زیست بوم محور می‌کشد تا با رویکرد یکپارچه به اجزاء گوناگون تشکیل دهنده نظام زیست، شامل اجزاء زیست شناختی، فیزیکی، انسانی، اجتماعی و درک پیوند بین آنها از پایداری زیست بوم محافظت کند و دارای سازمانی متناسب با خود است که شامل: نقاطی از مراکز جمعیت، شبکه‌هایی از ارتباطات و انتقالات و سطوحی از انواع اراضی است و به تبعیت از طول کوچ عشایر، ابعاد زیست بوم با زیست بوم دیگر دارای تفاوت‌های بسیار زیادی هستند. ساختارها و کارکردهای فضایی موجود در عرصه کل زیست بوم بآبادی دارای اجزای زیر است که عبارتند:

– **سامان عرفی:** به محدوده معین فضای زمین (اراضی مرتعی و چراگاهی) اطلاق می‌شود که از قدیم الایام مورد بهره برداری تعداد مشخصی از خانوارها قرار گرفته و صرفاً دارای اسناد عرفی (بنچاقنامه، پروانه چراگاه) حق بهره برداری از آن می‌باشند؛

– **سامانه:** چند پارگی سامان در زمین معین است که واحد اجتماعی، مکانی و محلی عشایرها تلقی می‌گردد؛

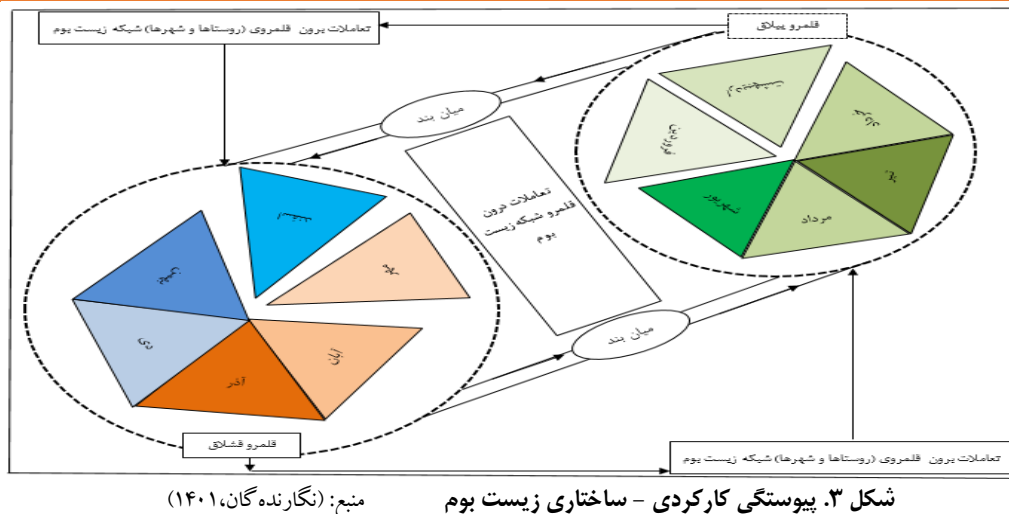
– **سکونت بیلاق:** محدوده یا پارگی ناحیه شمالی زیست بوم به شمار می‌رود. که کنشگران کوچندگان عشایری بنا به مقتضیات اقلیم در گذر زمانی فصول بهار و تابستان را به مدت ۱۳۵ شبانه روز در موقعیت کوهستانی و پایکویی استقرار می‌یابند. این الگوی سنتی با کوچ از قلمرو قشلاق به بیلاق آغاز می‌شود و به جانب سرزمین بیلاقی جریان می‌یابد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹: ۷)؛

– **سکونت قشلاق:** محدوده یا پارگی ناحیه جنوبی زیست بوم به شمار می‌رود که کنشگران کوچندگان عشایری بنا به مقتضیات اقلیم در گذر زمانی فصول پاییز و زمستان را به مدت ۱۸۵ شبانه روز در موقعیت دشت و پایکویی استقرار می‌یابند. این الگوی سنتی با کوچ از بیلاق به قشلاق آغاز می‌شود و به سوی سرزمین قشلاق جریان می‌یابد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹: ۷)؛

– **کنشگاه میانی:** اترافگا و میان بندها (چما، خون کشته، زرده، لید، چلو، شیمبار، منار) مستقر در شبکه ایل‌راه‌ها به عنوان مکان تلاقی سامانه-های بیلاقی و قشلاقی است. میان بندها در مجاورت (رودخانه، دره‌ها، بینابین منابع زراعی روستاها، مرتعی سایر زیست بوم‌ها) قرار دارد که حین کوچندگی برای توقف کوتاه و استراحت کنشگران عشایرها (همراه خانوارها و دام کوچنده (گوسفند، بز، احشام حمال و ااثیبه)) به هنگام حرکت از سامانه بیلاق به قشلاق (بالعکس) به شمار می‌روند. مدت کوچروی پیاده با احتساب توقف به مدت ۴۵ شبانه روز (رفت و برگشت) با طی ۵۰۰ الی ۶۰۰ کیلومتر به طول می‌انجامد.

– **کوچ:** تحرک فضایی خانوارها به صورت پیاده از یک پهنه به پهنه دیگر با عبور از عرض رودخانه (با جرء) و درء به منظور تعلیف گله دام در فضای چراگاه و مراتع طبیعی نامیده می‌شود. معمولاً طول مسیر کوچ در این نوع بیش از دهها کیلومتر می‌باشد. در این نوع کوچ انسان و دام در جهت افقی در زمین‌های هم ارتفاع حرکت می‌کنند (در زمان‌های گذشته در بیشتر ممالک خشک دنیا از جمله ایران، عربستان، صحرای آفریقا و... رواج داشته است).

۱. از دو کلمه «زیست» و «بوم»، تشکیل شده است. زیست در لغت نامه دهخدا (۱۳۶۶) به مفهوم «حیات و زندگی» و بوم به معنی «زمین»، شیارنکرده، زمین غیرآبادان و ناکشته است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه سامانه را معادل واژه سیستم مصوب کرد است (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر پنجم واژگان مصوب لاتین، صفحه ۱۰۸) اما غالب متون فارسی به تحریر درآمد در این زمینه از واژه «نظام» به عنوان واژه جایگزین، استفاده کرده‌اند (به طور مثال پژوهش، «مؤمنی، ۱۳۷۷: ۲۵۵ و عظیمی، ۱۳۸۲: ۹-۱۰ و رفیعیان، ۱۳۷۵: ۷۲) از واژه «سیستم» به عنوان معادل به کار گرفته می‌شود.



شکل ۳. پیوستگی کارکردی - ساختاری زیست بوم

منبع: (نگارنده گان، ۱۴۰۱)

یافته‌ها و بحث

به طور کلی منابع راهبردی جریان سرمایه زیست بوم عشایری ناشی از انسان ساخت و طبیعی ساخت است. بر این پایه متغیرهای جریان سرمایه‌های نظیر (انسانی، طبیعی، فیزیکی، مالی) شکل می‌گیرد که از تأمین کنندگان زیست گروهی - تولیدی کنشگران عشایری در بستر مکانی - فضایی سامانه‌های بیلاقی، قشلاقی و مکان‌های تلاقی دو سامانه تحت عنوان کنشگاه میانی (میان بندهای مستقر در شبکه ایلرها) به مثابه زیست بوم یکپارچه است. مبنی بر نظام روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی زیست بوم تحت شدت تعاملات و الگوهای فضایی متأثر از نوع و ماهیت متغیرهای جریان سرمایه جهت تحقق روابط مفهومی عناصر انطباق یافته شبکه‌های اجتماعی فضایی (مکان، فاصله، مقیاس، قدرت) است. بر این اساس مناسبات تولیدی و روابط درون (سامانه ها) و برون قلمروی (شهرها و روستاها) در عرصه اقتصادی و پایداری توسعه زیست بوم در دو حوزه اساسی مشتمل بر روابط و مناسبات تولیدی و شیوه مبادله تولیدات دامی و فرآورده‌های آن (پروکتین، لبنیات، پشم، مو و پوست) و صنایع دستی را مورد بررسی قرار داد.

الف) تعاملات و روابط و مناسبات تولیدی

یکی از نقش‌های کلیدی پیوندهای زیست بوم در فرآیند پایداری توسعه بر اساس فرصت‌های کسب و کار، کارآفرینی، مدیریت منابع محیطی - انسانی و منابع مالی - پولی بر پایه توزیع برابر در پهنه‌های جغرافیایی است. این موضوع می‌تواند اشکال مختلفی را برای هدایت جریان سرمایه داشته باشد. که می‌تواند هم مبتنی بر واگذاری منابع و عناصر پراکنده سیستم طبیعی و هم در قالب اعتبارات بانک‌ها و مؤسسات در اختیار گروه کوچندگان عشایری قرار داد می‌شود و به نواحی ناهمگن جغرافیایی بیلاقی، قشلاقی و میان بندهای زیست بوم عشایری بصورت مساوی منتقل شود که رونق بخشی اقتصادی می‌تواند به شکل سرمایه‌گذاری و پروژه‌های اجرایی و اشتغالزایی از طریق بخش خصوصی - دولتی باشد. این بخش بر جریان‌های طبیعی، فیزیکی و مالی در فرآیند پایداری توسعه زیست بوم عشایری متأثر باشد، متمرکز است. فعالیت گروهی - تولیدی و اقتصاد فضایی زیست بوم عشایر کوچنده طایفه بابادی بالغ بر ۹۵۳۸۵ راس دام (گوسفند و بز) حدود ۴۵ درصد دام عشایر استان و ۱/۱ درصد کشور که در رونق اقتصادی نقش و سهم بسزائی دارند. نتایج بررسی‌های میدانی، ۷۱/۳ درصد فعالیت گروهی - تولیدی کنشگران عشایری در قالب واحدهای خانگی مبنی بر نگهداری دام (گوسفند و بز) در بستر مکانی - فضایی چراگاه کنشگران فضایی زیست بوم استوار است که بر این مبنای ۱۱/۷ درصد به شیوه اجاره‌داری، ۱۴/۶ درصد سهم بری و بقیه به میزان ۲/۴ درصد به فعالیت زراعی اشتغال دارند. افزون بر این ۷۱/۴ درصد از خانوارها به شیوه شخصی و ۲۸/۶ درصد به شیوه دستمزدی به این فعالیت‌ها و همچنین فعالیت در زمینه صنایع دستی مشغول هستند. بدینسان، شیوه روابط - مناسبات مبتنی بر نظام بهره‌برداری خانوادگی است که به میزان ۵۲۵۰ تن گوشت قرمز، ۸۰۷/۳۰ تن شیر و ۱۷۳۲۸۰ کیلوگرم پوست و مو بصورت خود مصرف و دگر مصرف تولید و عرضه دارند. از عایدات و مازاد فعالیت برای خرید خانه و ملک در کانون‌های شهری لالی (۸۳ درصد صاحب خانه) پیرامون نواحی قشلاقی به تبع الگوی تعاملات قطبی انتقال می‌یابد (جدول ۵).

جدول ۵. تولیدات دامی زیست بوم مورد مطالعه

شرح	جمعیت دام	تعداد دام (گوسفند و بز)		میزان تولید گوشت قرمز		میزان تولید شیر		میزان تولید پوست و مو	
		رأس	درصد	تن	درصد	تن	درصد	کیلوگرم	درصد
زیست بوم	۹۵۳۸۵	۵۲۴۶۱	۱۰۰	۵۲۵۰	۱۰۰	۸۰۷/۳۰	۱۰۰	۱۷۳۲۸۰	۱۰۰
بیلاق	۶۳۴۶۲	۳۱۳۴۰	۶۵	۳۴۵۹	۷۵	۶۰۵/۱۷	۹۵	۱۲۱۲۳۰	۶۵
قشلاق	۳۲۹۲۳	۲۱۲۲۱	۳۵	۱۷۹۱	۲۵	۲۰۲/۱۳	۰/۵	۵۲۰۵۰	۴۵

منبع: (بررسی های میدانی ۱۳۹۹ و سازمان عشایر ایران، ۱۴۰۰)

ب) تعاملات و شیوه مبادله تولیدات دام و فراوری تولیدات

مداخلات دلالان و واسطه‌ها در انحصار تولیدات عشایری متکی به خرید دام و فرآوردهای دامهای زیست بوم عشایری مبنی بر توجه یکسان به قلمروهای بیلاقی، قشلاقی و میان بندها برای انتقال اندوخته‌ها و عایدات مالی نقش اساسی بر عهده دارند. سرمایه داران غایب(ساکن در روستاها و شهرها) نیز به جای مشارکت مؤثر در روند تولید اقدام به پیش خرید (نسیه و تهاتری) دام مولد می کنند که خانوار عشایری ناگزیر است برای تأمین نقدینگی، مایحتاج روزمره و تأمین(علوفه، دارو دامی و...) و تأمین علوفه سایر دامها، این عمل را انجام دهد. پیوندهای اقتصادی میان کنشگران عشایری ابتدا به واسطه پیدا کردن روابط و لینک‌های بین سامانه‌های بیلاقی و قشلاقی انجام می‌شود به این صورت که وجود ارتباط بین دو سامانه شناسایی می شود. شیوه تبادلات و انتقال جریان‌های سرمایه درون قلمروی زیست بوم عشایر از یک سوی، گروهی بدلیل کمبود نقدینگی و محدودیت فضای چراگاه با مداخله دلالان (سودجویان) انجام می پذیرد. بدین منوال حین کوچ های فصلی تولیدات خود را با نازلترین قیمت به صورت نسیه و تهاتری به فروش می رسانند که سود و منفعت کامل عشایر حاصل نمی شود(توجه ویژه به منابع و امکانات میان بند ها و توقف کوتاه مدت عشایر بین این مکان‌های بعنوان محل تلاقی سامانه‌ها)، گروه دیگر؛ به محض فارغ از کوچ و استفاده حداکثری از منابع مرتعی سامانه‌ها بدلیل برخورداری از توان مالی و فضای چراگاهی (عدم شتاب فروش) کالای خود را با مطلوبیت نسبی در بازار و بنگاه های محلی به فروش می رساند که الگوی از جریان های رسمی را شکل دهد. بر این اساس، نوع و ماهیت جریان‌های کالا و اطلاعات برای نرخ گذاری تولیدات خانوار عشایر (بدلیل عدم اطلاعات آنان از وضعیت بازار) بر پایه محاسبات موقعیت‌های جغرافیایی، حائز اهمیت است. از سوی دیگر؛ ماهیت جریان سرمایه بر اساس روابط و مناسبات برون قلمروی زیست بوم میسر می گردد. این موضوع اشکال مختلفی دارد، سرمایه می تواند از طریق بانک ها، موسسات شهری و صندوق‌ها و اتحادیه عشایری - روستایی در قالب اعتباراتی که در اختیار عشایر داده می شود به مناطق روستایی - شهری منتقل شود که الگوی از جریان‌های غیررسمی را شکل دهد و منجر به هدایت سرمایه، عایدات و مازاد اقتصادی در فرآیند توسعه روستایی و شهرها قرار گیرد و توسعه زیست بوم مغفول بماند همچنین برخی از سامانه‌ها(جایگاه مکانی کوچک و دور افتاده) هم از مزیت این جریان بی بهره و فاقد اینگونه تعاملات دولتی و خصوصی می باشند. به طور کلی تعاملات و همپیوند اقتصادی زیست بوم مبتنی بر جریان‌های غیر رسمی، سرمایه و کالا با وجود دلالان مبتنی بر خرید - فروش و افزایش دام بدون رشد و توسعه یکپارچگی زیست بوم، تابع الگوهای فضایی متمرکز (تک مرکزی) مبنی بر سامانه های قشلاقی و هدایت سرمایه برای خرید خانه پیرامون شهر لالی است. مبتنی بر ماهیت جریان‌های رسمی برخی از سامانه‌ها با پیروی از مزیت الگوی مرکز - پیرامون و واسطه های قوی با دستگاه‌های دولتی - خصوصی مبنی بر انجام امورات بانکی، تأمین و ضمانت تسهیلات و ... مستقر در شهرهای چلگرد، شهرکرد، فارسان، لالی و صورت می پذیرد. بنابراین، خانوارهای بخش اعظم اندوخته‌ها و سرمایه‌های هر چند ناچیز خود را جهت کسب ارزش افزوده(مازاد درآمد) بیشتر به برون قلمروی زیست بوم یعنی کانون شهری لالی و بندرت شهرکرد و اصفهان تابع الگوی فضایی قطبی برای خرید ملک و خانه انتقال می یابد و برخی دیگر مبنی بر اجاره چراگاه پیرامون مراتع در برخی از سامانه(گلچین، چمدر، چما و ...) و جهت افزایش دام انتقال می یابد. با تحلیل متغیرهای جریان سرمایه در قالب شاخص‌های مرتبط به جریان سرمایه در ذیل روابط مفهومی عناصر چهارگانه شبکه‌ها مورد توجه قرار گرفته - اند. شایان ذکر است که اکثر تبادلات مالی خود را از طریق بانک‌های مستقر در شهرهای لالی، چلگرد، فارسان و شهرکرد انجام می‌گیرد.

جریان سرمایه

جمع آوری داده های مورد نیاز برای شناخت جریان های سرمایه به کمک پرسشنامه صورت گرفته با خانوارهای زیست بوم طایفه بآبادی انجام گرفت. به این منظور در این پرسشنامه سوالاتی در ارتباط با نحوه نگهداشت سرمایه (از نگهداری در بانک گرفته تا خرید ملک، مستغلات، میزان سهام تعاونی و صندوق بیمه ها) مطرح گردیده بود. سپس در ادامه با طرح سوالات در مورد نحوه تعاملات با مکان بانک، موسسات بیمه، صندوق های تعاونی و شیوه هدایت سرمایه اضافی مبنی بر خرید ملک و خانه مورد مطالعه قرار گرفت (جدول ۶).

جدول ۶. جریان های رسمی سرمایه زیست بوم مورد مطالعه

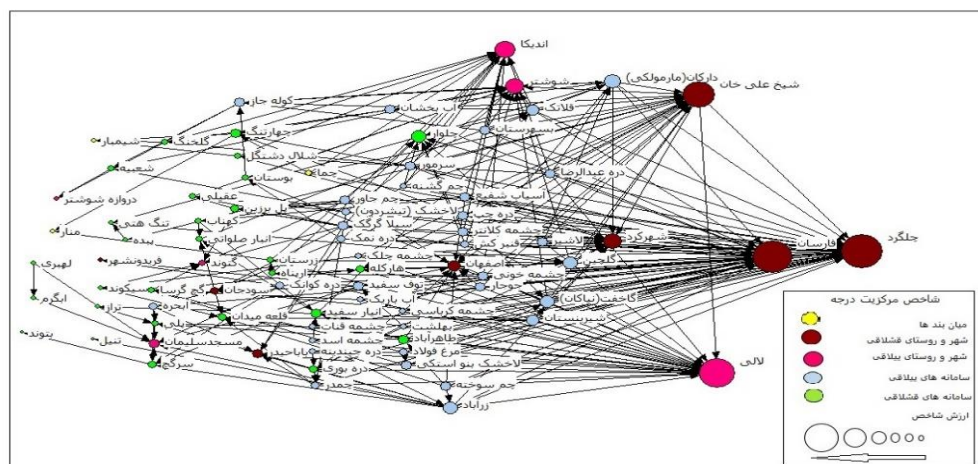
شرح	خانه و ملک (درصد)	شرکت تعاونی عشایری کوه رنگ	صندوق بیمه محصولات کشاورزی و دام (گوسفند و بز)	بیمه اجتماعی روستایی و عشایری	تسهیلات بانکی، صندوق توسعه ملی (ریال)
تعداد اعضا (نفر)	سهم هر عضو (ریال)	پرداخت سهام	تعداد بیمه عامل کارگزار	تعداد تعرفه بیمه هر راس (ریال)	تعداد تعرفه بیمه یکساله در ۸ سطح (ریال)
زیست بوم	۸۳	۸۱۲۲	۵۰۰۰۰۰	پرداخت غیر نقدی و تخفیف نهاده	۳۳۰۰۰۰۰۰۰۰
بیلاق	۸	۸۱۲۲	۵۰۰۰۰۰	۴۰ صندوق بیمه	۷۵۰۰۰۰۰
قشلاق	۷۵	۰	۰	۱۱۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰۰۰۰

منبع: (یافته میدانی ۱۴۰۰، شرکت تعاونی عشایری کوه رنگ، ۱۴۰۰، اداره امور عشایر شهرستان کوه رنگ، ۱۴۰۰، بانک کشاورزی ۱۴۰۰)

به منظور تحلیل جریان سرمایه، شاخص های تحلیل شبکه اجتماعی به صورت طبقه بندی ذیل شبکه ها اجتماعی و جغرافیای رابطه ای انسانی به کمک نرم افزار (Ucinet) محاسبه شده است (رمضانی و همکار، ۱۳۹۵: ۲۰). مشخصات کلان شبکه جریان های سرمایه درون و برون قلمروی زیست بوم عشایری را نشان می دهد.

الف) شبکه ها و مکان

متأثر از نوع و ماهیت جریان سرمایه در خصوص مکان های هدایت سرمایه جهت خرید خانه و مراجعه به بانک ها و تعاونی و انجام بیمه محصولات دامی و بیمه اجتماعی روستایی و عشایری بواسطه شاخصه های (درجه مرکزیت درونی و بیرونی)، (مرکزیت بینابین) قابل محاسبه در است. بر اساس محاسبات انجام شده در خصوص هدایت سرمایه کنشگران عشایری، بیشترین درجه مرکزیت جریان سرمایه به ترتیب درجه (۳۴، ۳۳، ۳۰، ۲۵) متعلق به شهر چلگرد، فارس، لالی و شهر کرد است.

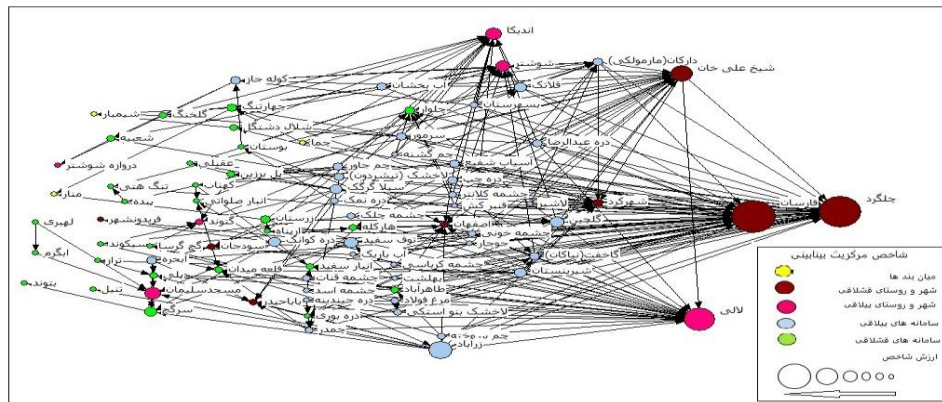


منبع: (محاسبات، Ucinet)

شکل ۴. دیاگرام مرکزیت درجه ای

❖ مرکزیت بینابینی

شهرهای لالی ۶۶۱/۴۶۴، چلگرد ۶۱۷/۸۶۷ و فارسان ۴۸۲/۰۶۷ بیشترین مرکزیت بینابینی را کسب نمودند که اولویت‌های اول، دوم، سوم و - همچنین کنشگران فضایی (چما، گلچین، چمدر) در اولویت‌های بعدی به عنوان واسطه‌های برون قلمروی زیست بوم قرار دارند و در مقیاس افقی تأثیر اندکی در فرآیند جذب ماحصل سرمایه‌گذاری را برای سایر سامانه‌های زیست بوم با جایگاه مکانی کوچک و دور افتاده را دارند.

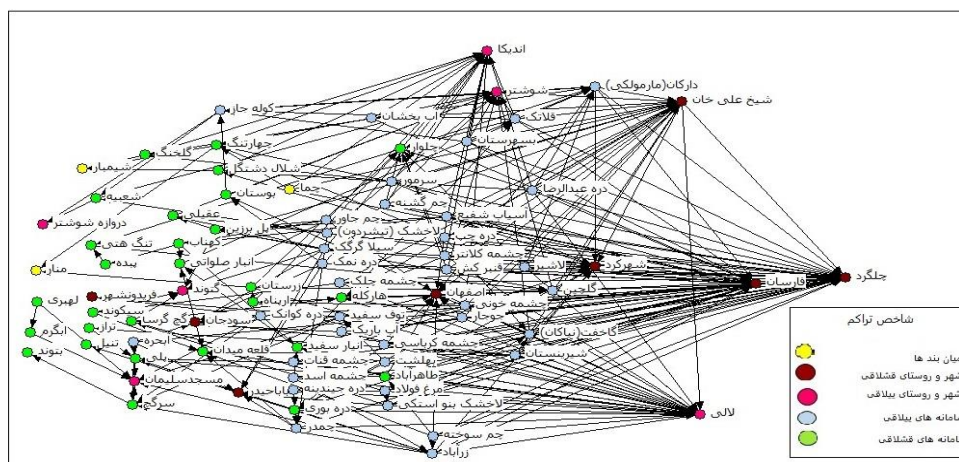


منبع: (محاسبات، Ucinet)

شکل ۵. دیاگرام مرکزیت بینابینی

❖ تراکم

تراکم شبکه جریان سرمایه زیست بوم در حدود ۵۶ هزارم است که دارای انسجام شبکه متوسط است و پیوندهای جریان سرمایه مالی برای تمام سامانه‌ها فراهم نبود و برخی سامانه‌ها بیابانی و فضایی بدلیل دور افتاده از ارتباط برون قلمروی محروم ماندند.



منبع: (محاسبات، Ucinet)

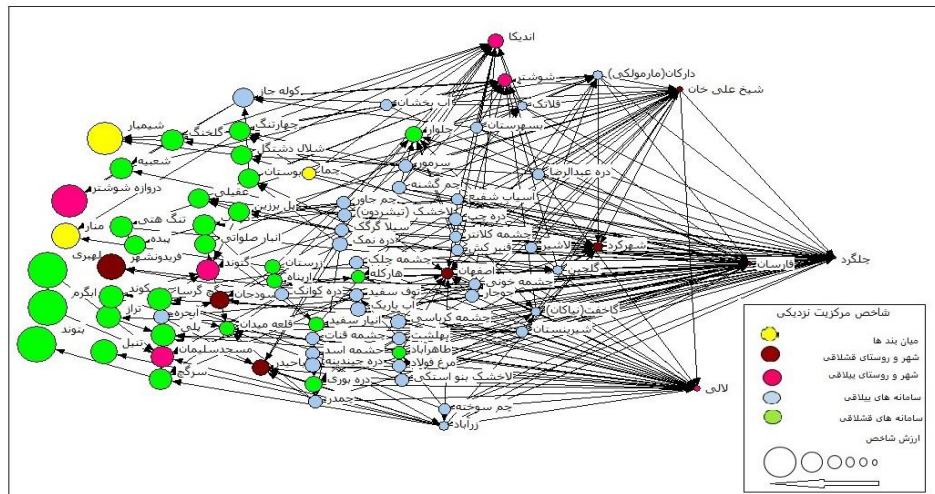
شکل ۶. دیاگرام تراکم

(ب) شبکه‌ها و فاصله

ذیل مفهوم روابطی عناصر این عنصر به صورت ساده، بیان رابطه بین دو مکان، بین انسان و مکان و یا بین دو انسان است. مفهوم معیار شبکه ها و فاصله سامانه‌های کوچک، دور افتاده و صعب العبور زیست بوم را بطور مساوی مد نظر و مزایای خود قرار می دهد. که فاصله هر کنشگر را از کنشگران دیگر در شبکه برآورد می کند. شبکه ها و فاصله، بیانگر این امر است؛ با توجه به مسافت زیاد بین برخی از کنشگران فضایی تا مرکزیت جریان شبکه، تعاملات از نوع روابط و جریان سرمایه بر قوی است و منافع کنشگران فضایی زیست بوم حاصل نمی‌شود.

❖ مرکزیت نزدیکی

در شکل زیر بر اساس اندازه کنشگران بیشترین مرکزیت نزدیکی بر سامانه‌های دور افتاده زیست بوم متمرکز است و کنشگران فضایی به دور از مرکزیت جریان سرمایه (بتوند، گتوند، دروازه شوشتر، تمبل، راهدار و حومه، مسجد سلیمان، فریدون شهر) انتقال داده نشد که نشانگر پیروی کنشگران فضایی زیست از الگوی فضایی تک مرکزی را در شبکه دارند.



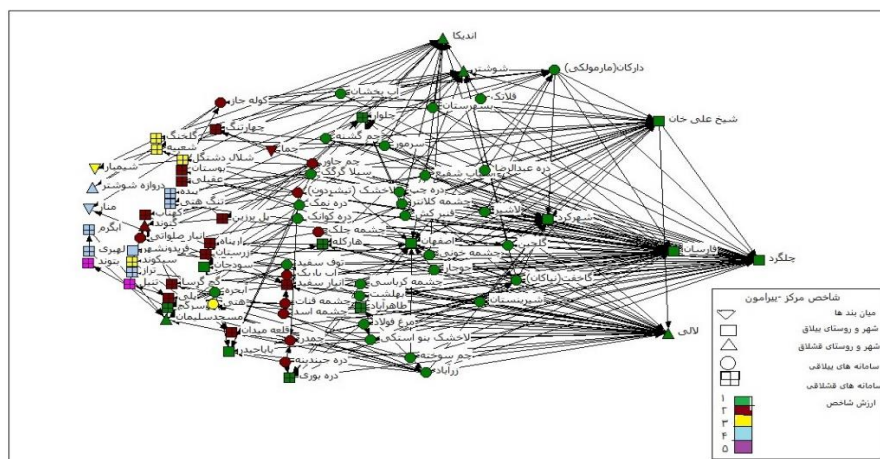
شکل ۷. دیاگرام مرکزیت نزدیکی (منبع: محاسبات، Ucinet)

ج) شبکه‌ها و مقیاس^۱

عنصر دیگر نظیر شبکه‌ها و مقیاس در ابتدایی‌ترین شکل خود معمولاً به گستردگی جغرافیایی (یا اندازه) برخی پدیده و فرایندها اشاره دارد. این مفهوم بصورت حس مقیاس عمودی معطوف به کانون، سرزمینی و مقیاس افقی یا توپولوژیکی مبنی بر چگونگی فرایندهای اجتماعی در شبکه‌ها توجه قرار می‌گیرد.

❖ مرکز-پیرامون^۲

هدف از تحلیل مرکز پیرامون استفاده از یک الگوریتم ژنتیکی برای سازگاری با مدل مرکز-پیرامون برای داده‌ها است و مشخص می‌کند کدام یک از عوامل به مرکز و کدام یک به پیرامون تعلق دارند. میان‌بند، چما، زرده، خون کشته، لید، چلو، شیمبار، منار) درون قلمروی و ارتباط کنشگران فضایی با قلمرو برونی زیست با شهرها و روستای (چلگرد، فارسان، لالی، شیخ‌علی‌خان) با بالاترین تراکم به عنوان نواحی مرکزی و کنشگران فضایی (چشمه خورده‌ها، بتوند، گتوند، دروازه شوشتر) با کمترین تراکم در نواحی پیرامون قرار گرفته‌اند.



منبع: (محاسبات، Ucinet)

شکل ۸. دیاگرام مرکز - پیرامون

❖ خوشه‌ها^۱

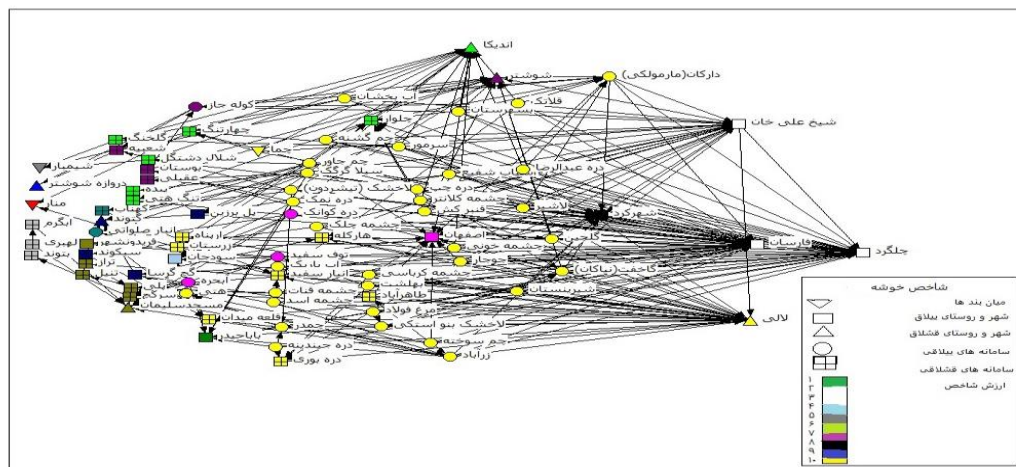
شاخص دیگر معیار شبکه‌ها و مقیاس، تعداد پیوندهایی که همسایگان کنشگر (همنشینان خود) را به هم متصل می‌کند، تقسیم بر تعداد پیوندهای ممکن میان همسایگان است. بر اساس نوع مقیاس، قدرت تعاملات کنشگران فضایی زیست بوم و ارتباط آنها با شهرها و روستاها را در ۱۰ خوشه نشان می‌دهد.

جدول ۷. خوشه بندی زیست بوم

خوشه	کنشگران فضایی	خوشه	کنشگران فضایی
۱	چلگرد، فارسان، لالی، شهرکرد	۶	دره نمک، آب باریک
۲	گلچین، چمدر	۷	حومه لالی
۳	چما، سودجان	۸	آب بخشان
۴	اصفهان	۹	آرپناه
۵	باباحیدر	۱۰	فریدون شهر

منبع: (یافته‌های پژوهش)

با توجه به تحلیل عنصر مقیاس شاخص‌های جریان سرمایه، برخی از کنشگران فضایی به دلیل تراکم بالای روابط در سطح مقیاس افقی در نواحی مرکزی دارای روابط متوسط هستند و سایر کنشگران با تراکم پایین در سطح مقیاس عمودی در نواحی پیرامون زیست بوم دارای روابط ضعیف هستند. بدین ترتیب همان طور که در شکل متصور است الگوی فضایی غیر متمرکز (چند مرکزی) کنشگران فضایی مرکزی و پیرامون زیست بوم را در مقیاس ده‌گانه اولویت بندی نشان می‌دهد.



منبع: (محاسبات، Ucinet)

شکل ۹. دیاگرام خوشه‌ای

❖ شبکه‌ها و قدرت^۲

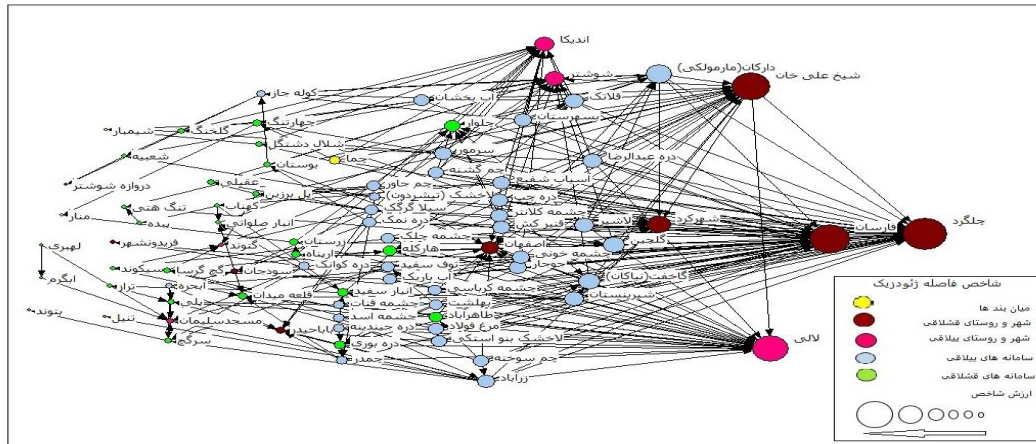
کنشی تعاملی دو طرفه است که مولد بوده، شیوه‌های مقاومت در برابر آن به ایجاد شکل‌های جدیدی از رفتار می‌انجامد که رابطه‌ای کاملاً دو طرفه و کنشی ارتباطی است و صرفاً "مالکیت قدرت و گردشی نیست و متأثر از تعاملات اجتماعی و اقتصادی شبکه‌ها را در کنار هم نگه می‌دارد که از طریق ایجاد اجماع و تشکیل ائتلاف حاصل می‌شود. بنابراین بدون فضای زیسته کوچندگان عشایری، از زیست بوم جز ابزاری در دست قدرت برای حکمرانی در عرصه ملی چیزی برای سطح جامعه عشایری باقی نمی‌ماند که منجر به مشارکت پایین زیست بوم می‌شود و ریسک اشتباه سیاستگذاری عشایری را بالا می‌برد.

❖ قابلیت دسترسی

cluster

Power and networks

متوسط مقدار ژئودزیک در این گراف برابر ۲/۸۵ و حداکثر این مقدار برابر ۷ می باشد. شکل زیر گراف کلی مربوط به جریان های سرمایه را نشان می دهد. قدرت تعاملات کنشگران فضایی مانند (چلگرد، فارسان، لالی، اندیکا) سپس کنشگاه میانی (چما، خون کشته، زرده، لپد، چلو، شیمبار، منار) را به لحاظ شبکه مسیر انتقال سرمایه و اندوخته دارد که بدلیل قدرت دسترسی بالای آنان، کنشگران هم از قدرت سایر کنشگران به تبعیت از الگوی فضایی مرکز و پیرامون در شبکه استفاده می کنند.



شکل ۱۰. دیاگرام فاصله ژئودزیک

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی بوده که در گروه جغرافیای انسانی دانشگاه خوارزمی از آن دفاع شده است.

نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل شبکه های اجتماعی در دهه گذشته در جغرافیای اقتصادی محبوبیت پیدا کرده است. تحلیل شبکه های اجتماعی و جغرافیای بصورت تلفیقی بر اساس جریانات متداول سرمایه ذیل روابط مفهومی انطباق یافته عناصر (شبکه ها و مکان، شبکه ها و فاصله، شبکه ها و مقیاس، شبکه ها و قدرت) و عناصر چند سطحی روش های جدیدی را برای نظریه پردازی سازمان و تکامل اقتصاد فضایی ارائه می کنند تا تفکر الگویی تعاملات و روابط - مناسبات متقابل را در این زمینه مبنی بر (در) توپولوژیک شبکه پویا توام با دل بستگی اجزای بهم پیوسته آن تقویت کنند. در این پژوهش الگوهای فضایی و سطح تعاملات فضایی مبنی بر روابط - مناسبات تولیدی و شیوه تعاملات تولیدات مبتنی بر متغیرهای جریان سرمایه درون و برون قلمروی زیست بوم عشایری بآبادی بصورت یکپارچه مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. بر اساس نتایج پژوهش، جریان سرمایه مبتنی بر شاخص های فیزیکی، مالی و انسانی - طبیعی زیست بوم در قالب جریان رسمی و غیررسمی الگویی از تعاملات فضایی متمرکز، غیر متمرکز و شبکه ای را شکل می دهد.

به دور از تعاملات از نوع روابط - مناسبات فیزیکی و بر پایه تعاملات جریان مبنای جریان درون و برون قلمروی به منابع سرمایه ای متکی به منابع پولی - مالی، تسهیلات بانکی، منابع طبیعی و .. متکی هستند که اندازه گیری سطح فرآیندها و اثر گذاری آنان در توسعه شبکه زیست بوم با بهینه سازی الگوهای فضایی پیش شرط آن است. در گذشته مبنی بر الگوی تعاملات تک مرکزی - چند مرکزی کنشگران عشایری، عایدات درآمد و اندوخته ها ملی هر چند اندک خود را برای خرید و افزایش دام و فرآوری تولیدات دامی به درون قلمروی زیست بوم به منظور کسب ارزش اقتصادی هدایت می کردند. با گسترش سطح روابط و مناسبات مبنی بر مشارکت و هدایت سرمایه برای سرمایه گذارهای نظیر؛ خرید خانه، ملک، زمین و سایر پیرامون فضای روستایی و شهری با بهره گیری از منابع پیدا و پنهان قلمروهای بیلابی و قشلاقی زیست عشایری، هدایت عایدات درآمدی برای کسب ارزش اقتصادی افراد سود جو و متفرقه تغییر یافت و زیست بوم عشایری تحت شدت الگوی فضایی قطبی با نقش پذیری کانون های شهری و روستاها است و منفعت کامل بین تمام سامانه زیست بوم حاصل نمی شود. این موضوع مبنی بر الگوی تعاملات

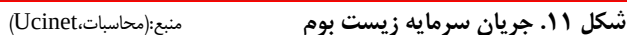
یکسویه با سرشت سلطه‌گری از یک سوی؛ با مداخلهٔ دلالتان برای شیوهٔ خرید و فروش عامل‌های تولیدی عشایری مبتنی بر جریان غیر رسمی، از سوی دیگر؛ تسلط واسطه‌ها (مشاوره‌های اداری، پروژه‌ای، اقتصادی) برای توزیع منابع و امکانات بخش دولتی و خصوصی (اعتبارات بانکی و مؤسسات، تسهیلات یارانه دار شرکت‌های تعاونی و اتحادیه، اجرای پروژه‌های عمرانی و زیرساخت دولتی) منفعت یکسان کنشگران فضایی و یکپارچگی زیست بوم در فرآیند توسعهٔ حاصل نمی‌گردد. با بررسی شاخص‌های طبقه‌بندی شده جریان سرمایه (درآمد، پس انداز) ذیل معیار چهارگانه وضعیت تعاملات شبکه‌ی درون و برون قلمروی زیست بوم بدین گونه است (جدول ۸).

جدول ۸. محاسبات الگویی تعاملات شبکه‌ی زیست بوم

الگویی تعاملات فضایی	معیار شاخص	شبکه‌ها و مکان	شبکه‌ها و فاصله	شبکه‌ها و مقیاس	شبکه‌ها و قدرت
قطبی	مرکزیت درجه شبکه	لالی، چلگرد	-	-	-
	مرکزیت بینابینی شبکه	گلچین، آرپناه، حومه لالی، آسیاب شفیع، چما، شیمبار، منار	-	-	-
غیر متمرکز	مرکزیت نزدیک شبکه	چما، شیمبار	فارسان، چمدر، باباحیدر، آرپناه	-	-
	مرکز- پیرامون شبکه	-	-	چلگرد، سودجان، اندیکا	-
متمرکز	خوشه‌های شبکه	-	-	آب بخشان، شیخ علی خان، لالی، شوشتر، قلعه میدان، هارکله، دره نمک	-
	فاصله ژئودزیک	لالی، فارسان، مسجد سلیمان، آب باریک	-	-	لالی، چلگرد، شهرکرد، اصفهان

منبع: (یافته‌های پژوهش)

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل شبکه‌ی در نرم افزار یوسی نت، کنشگران فضایی کل زیست بوم از گونه الگویی تعاملات فضایی مکان مبنایی و به شدت از الگویی فضایی قطبی تبعیت می‌کند. با انسجام شبکه (۵۶ هزارم) مرکزیت درجه‌ای زیست بوم حول و حوش و وابسته به مرکزیت جریان سرمایه پیرامون کانون‌های شهری نواحی قشلاقی شکل گرفته است یعنی با مرکزیت جریانی و نقش‌پذیری کانون شهری لالی پیرامون قلمرو قشلاقی زیست بوم با پیروی از الگویی فضایی قطبی و جایگاه شبکه مکانی انتقال می‌یابد که نزدیک به ۸۳ درصد انتقال اندوخته‌های برای خرید خانه به کانون شهری پیرامون نواحی قشلاقی انجام می‌گیرد. همه سامانه‌های زیست بوم بخش مرکزی جریان سرمایه در قلمرو بیلاقی به نقطه شهری چلگرد، فارسان، شهرکرد و اصفهان و در قلمروی قشلاقی به نقطه شهری لالی جریان دارد در قلمرو بیلاقی خیلی کم صاحب خانه هستند. بر پایه معیار شبکه‌ها و قدرت برخی از کنشگران فضایی با پیروی از الگویی تعاملات فضایی قطبی در موقعیت استراتژیکی، مالکیت قدرت تعاملات را در خصوص انتقال و یا محل تجمع سرمایه ماحصل فعالیت گروهی کنشگران کوچندگان مبنی بر تولیدات دامی را در اختیار دارند. برخی دیگر به علت جایگاه مکانی کنشگران (کوچک، دورافتاده) همانند یک شبکه سیاسی دارای محدودیت هستند و از قدرت تعاملات مبنی بر نحوه هدایت جریان سرمایه ضعیف برخوردارند که در روابط و مناسبات اقتصادی و قابلیت‌های زیست بوم در تقابل‌اند و مطلوبیت نهایی اقتصادی را دریافت نمی‌کنند. بر اساس اطلاعات گراف فوق بیشترین فاصله ژئودزیک در (چما، چلگرد، فارسان) و سپس میان بندها (خون کشته، زرده، چلو، شیمبار، منار) قابل دسترس توسط دیگران هستند که گاه "مالکان غایب را در خود جای داده است (شکل ۱۱).



نوع تراکنش	الگوی تعاملات مکان مینایی	الگوی تعاملات جریان مینایی	الگوی تعاملات شبکه مینایی
تراکنش های دوستانه	0.01	0.04	0.06
شکل گیری شبکه های گوناگون	0.01	0.06	0.08
دسترسی به شبکه بار بارایی	0.01	0.06	0.09
دسترسی به شبکه و کار ها	0.01	0.04	0.06
روانی فضای کسب و کار ها	0.01	0.06	0.10
ترویج بخشی به فعالیت های اقتصادی	0.02	0.06	0.06
توسعه همبستگی و اعتماد	0.01	0.04	0.06
الزاج های	0.01	0.06	0.10
استقلال و فعالیت و نوآوری	0.02	0.04	0.06
استقلال توانایی مدیریت محلی	0.01	0.02	0.04
ارتقای دسترسی مراکز افراد	0.02	0.06	0.14
بهبود قابلیت دسترسی محلی	0.01	0.02	0.06
انتقال دانش و مهارت	0.01	0.02	0.06
انتقال دانش و مهارت	0.01	0.06	0.08
دسترسی آسان به اطلاعات مالی	0.01	0.06	0.08

شکل ۱۲. نمودار تحلیل شدت الگوهای فضایی تعاملات زیست بوم

در مقایسه یافته‌های پژوهش با تحقیقات نظری و تجربی انجام گرفته در گذشته، زمینه مشترک بین تعاملات و توسعه پایداری با مفهوم ماندگاری، اطمینان از ماندگاری، ارزش‌ها یا خدمات بلند مدت، حفظ منابع فعلی تولید(پایداری) و تدوین راه‌حل‌های منحصر به فرد بلند مدت(تعاملات) برای یکپارچگی شبکه زیست بوم انسانی و طبیعی عشایری مد نظر قرار گرفته شده است که از سوی، روابط- مناسبات درون قلمروی میان زوجین زیست بوم(بیالاق، قشلاق) و میان بندها، از دیگر سوی؛ اثر گذاری و اثر پذیری کم و کیف تعاملات برون قلمروی زیست بوم با روستاها و شهرها بصورت پیوسته مبنی بر برنامه ریزی فضایی(آمایش سرزمین) صورت پذیرفت. بر پایه مقاله والتر و رادیل(۲۰۱۸) تحت عنوان شبکه‌های اجتماعی و جغرافیای رابطه‌ی انسانی مورد بررسی قرار گرفت و مسیرهای را برای مشکلات جغرافیدانان به عنوان یک مد جدید، باز می‌کنند. پژوهشات انجام گرفته، تفاوت‌های ادراکی میان روابط و پیوندهای درون و برون زیست بوم با بررسی‌های جدا انگاری سامانه ها و عدم تجزیه و تحلیل تعاملات فضایی شبکه‌ی رابطه تقابلی و یک سویه توأم با سرشت سلطه و بهره کشی را نشان می‌دهد. آثار سعیدی(۱۳۹۰)، اهلرز(۱۳۸۰)، نیک سرشت و همکاران(۱۳۹۷)، آذرباد(۱۳۸۹)، خلیفه(۱۳۹۱)، فکوهی(۱۳۸۳)، اهلرز(۱۳۸۰)، این پژوهش را تأیید می‌نمایند.

پژوهش از جنبه‌های، انتخاب موضوع، مبانی نظریه‌ای، روش شناسی تحقیق و تحلیل الگوهای تعاملات فضایی متأثر از نوع و ماهیت شاخصه های طبقه بندی شده جریانات درون قلمروی زیست بوم عشایری و ارتباط برون قلمروی زیست بوم با کانون‌های شهری و روستاهای بزرگ، بصورت یکپارچه و ارائه مباحث تکمیلی تحلیل شبکه‌ها، تحلیل تطبیقی و تحلیل میان رشته‌ی(بر پایه دیدگاه میان رشته‌ی و معرفی سطح بندی علوم بوم شناختی(پایه، تخصصی، فرا تخصصی))از مباحث نوپا و تلفیقی(انسان شناسی و محیطی) در نظام سه گانه زیست شهری و روستا بویژه زیست بوم عشایری نوآوری دارد.

در نهایت بر اساس نتایج توسعه الگوی فضایی تعاملات شبکه‌ی بوم شناختی مبنی بر بهینه سازی ساختار فضایی و روابط - مناسبات متقابل و فرآیند شبکه پویا، پیشنهادات برای برنامه‌ریزی راهبردی با تأکید برنامه ریزی فضایی(آمایش سرزمین) برای زیست بوم از اهمیت بالایی برخوردار است:

۱) توزیع فضایی و تجمع منابع و قابلیت‌های منطقی موقعیت‌های کارکردی مبنی بر استفاده از درون و برون قلمروی سامانه‌ها به مثابه زیست بوم جامع در شبکه را تقویت تا آزاد سازی و تسهیل منابع اتفاق افتد. توسعه شبکه‌های فضایی، ظرفیت‌های تبادل منابع و قابلیت‌های تخصیص زیست بوم را افزایش داده و خطر رفتارهای فرصت طلبانه را کاهش داده است. سامانه‌های اصلی شبکه دارای توانایی قوی برای جمع آوری و گسترش منابع هستند و به عنوان یک پل و واسطه در پایداری توسعه شبکه زیست بوم عشایری عمل می‌کنند از این پس تخصیص فضایی منابع و ترمیم شبکه حمل و نقل بویژه جهت رفع اختلافات اجتماعی و اقتصادی مکان‌های دور افتاده بهینه سازی شوند؛

۲) از طریق اثرات سرریز شبکه، قدرت اتصال بین درون قلمروی و حاشیه شبکه زیست بوم و سامانه‌های اصلی تقویت شود. در مقایسه با الگوهای فضایی تک مرکزی، قطبی و تجمعی، الگوی تعاملات شبکه فضایی و چند مرکزی در شبکه پویا زیست بوم می‌تواند جریان منابع را تسریع کند تا از اثرات سرریز اقتصاد، فناوری و دانش برون قلمروی(شهرها و روستاها) سامانه‌های اصلی استفاده کند تا ارتقاء پیشرفت فناوری برپایه فعالیت‌های غالب در سامانه‌های سطح پایین مبنی بر تقسیم کار برای توسعه یکپارچه ارتقاء یابند؛

۳) الگوی تعاملات فضایی شبکه مبنایی موجب تقویت شکل گیری شبکه‌های گوناگون تعاونی، انجمن‌ها(مراعات، تعاونی‌ها، صندوق‌های خرد) و شبکه اجتماعی و محیطی گسترده کنشگران فضایی عشایری زیست بوم؛

۴) تقویت پیوند درون قلمرو (بین سامانه‌ها و میان‌بند) و برون قلمروی خود با روستاها و شهرها شده و به موجب آن؛

الف: زمینه‌های تسهیل در دسترسی کوچندگان عشایری زیست بوم به سرمایه؛

ب: تسهیل در فرآیند بازاریابی و شبکه حمل و نقل؛

ج: بهبود فضای کسب و کار؛

د: بهبود سامانه‌های در حال پایداری و مراکز زیست بوم به خدمات و تسهیلات بانکی؛

ذ: ترویج و انتقال دانش و مهارت‌های متوالی (فهم دانش بوم شناختی و فراتخصصی)؛

ز: خلاقیت و نوآوری؛

- ز: تنوع بخشی به فعالیت‌های گروهی و تولیدی زیست بوم عشایری؛
 ز: رفع موانع و نواقصات نگرش ساماندهی و اسکان (اختیاری، اجباری).
 ۵) تقویت پیوندها و روابط - مناسبات متقابل میان درون قلمروی و با برون قلمروی زیست بوم (روستاها و شهرها)؛
 ۶) تقویت زیست بوم عشایری به عنوان کنشگاه میانی در زنجیره تأمین و امنیت مواد غذایی

منابع

- افروغ، عماد (۱۳۹۶)، فضا و جامعه: فضای شهری و نابرابری اجتماعی "ارائه الگویی برای جداگزیینی فضایی و پیامدهای آن"، ناشر، نشر علم، چاپ دوم.
 برنامه‌ریزی راهبردی عشایر استان (۱۳۹۰)، اداره مطالعات و برنامه ریزی اداره کل عشایر استان چهارمحال و بختیاری.
 برنامه‌ریزی راهبردی عشایر استان (۱۳۹۰)، اداره مطالعات و برنامه ریزی اداره کل عشایر استان خوزستان.
 خلیفه، ابراهیم (۱۳۹۱)، روابط و مناسبات شهر، روستا و عشایر با تأکید بر راهبرد شبکه منطقه‌ای (مطالعات موردی: ناحیه مرودشت)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی.
 رضائی، ابوالفضل؛ میرزا محمدی، علی (۱۳۹۵)، تحلیل شبکه‌های اجتماعی به همراه آموزش نرم افزار Ucinet تهران: جامعه شناسان.
 سعیدی، عباس (۱۳۸۳)، ناکارآمدی ساختاری - عملکردی نظام‌های فضایی ناحیه‌ای، مطالعه موردی: ناحیه باغملک (شرق خوزستان)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵، پائیز و زمستان ۲۵ - ۱۴.
 استلر، مانوئل (۱۹۸۹)، مترجم احد علیقیان و افشین خاکباز (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ظهور جامعه شبکه‌ای، جلد سوم، طرح تهران نو.
 ریاحی، وحید؛ محمودیان، فرزاد؛ عزیزپور، فرهاد (۱۴۰۱)، تحلیل الگوی تعاملات فضایی عشایر با تأکید بر جریان مردم (مورد مطالعه: زیست بوم ببادی باب ایل بختیاری) فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، سال دوازدهم، شماره دوم، پیاپی (۴۵)، تابستان.
<http://dx.doi.org/10.22180/sppl.2022.131381.1627>
 مرکز آمار ایران (۱۳۹۸)، نتایج ثبت پایه جمعیت عشایر کوچنده کشور.
 Aung, Nilar and mar, Tin. (2019), Rural-Urban Interaction in Rural, Development of Peri-Urban Areas in Yangon, Region, Myanmar: A Case Study of Hlegu Township, Department of Geography, University of Yangon, Yangon, Myanmar, H. James (ed.), Population, Development, and the Environment, Chapter, 8.
 81-Bauman Z. (2001), The Individualized Society. Cambridge: Polity.
 Byambaa B and Walter T de Vries orcid. (2021). The Production of Pastoral Space: Modeling Spatial Occupation of Grazing Land for Environmental Impact Assessment Using Structural Equation Modeling Chair of Land Management, Department of Aerospace and Geodesy, Technical University of Munich, 80333 Munich, Germany.
 Broch Due V (1999), Remembered cattle, forgotten people: the morality of exchange and the exclusion of the Turkana poor", in The Poor Are Not Us: Poverty and Pastoralism in Eastern Africa Eds V Broch-Due, D M Anderson (James Currey, Oxford) pp 50-88.
 Castells, M. (1997), The Rise of the Network Society. Cambridge: Blackwell.
 Douglass, Mike. (1999), Rural-Urban Integration and Regional Economic resilience: Strategies for the Rural-Urban Transition in Northeast.
 Ehlers, E. (1975), Traditionelle und modern formen der landwirtschaft in iran. Siedlung, Wirtschaft und Agrasozialstruktur im noerdlichen Khuzistan seit dem Ende des 19. Jahrhunderts. Marburger geogr. Schriften 64.
 Pitzl, G. R. (2004), Encyclopedia of Human Geography. First edition. Westport, Connecticut: Greenwood Press.
 Prager, L. (ed). (2012), Nomadismus in der Alten Welt, Nomadism in the Old World, Munster: LIT.
 Prussin, L. (1995), African Nomadic Architecture: Space, Place and Gender (Smithsonian Institution Press, Washington, DC).
 Pillai N, V. (2013), You Cannot Swim Twice in the Same River: The Genesis of Dialectical Materialism. Munich: University Library of Munich.
 Smit, C. J. (1980), Social networks as metaphors, models and methods. Progress in Geography 4(4): 500-524.
 Khazanov, A. (1984). Nomads and the Outside World. Cambridge: Cambridge University Press.
 Karplus, Y & Meir, A. (2012), The production of space: a neglected perspective in pastoral research, Environment and Planning D: Society and Space 2013, volume 31, pages 23-42. Lefebvre, H. (1991b), The Production of Space (D. Nicholson-Smith, Trans.). Oxford: Blackwell.
 Lin J, Halavais A and Zhang B. (2007), The blog network in America: blogs as indicators of relationships among US cities. Connections 27(2): 15-23.

- Lynch, Kenneth (2005), *Rural– Urban Interaction in the Developing World*, Routledge, London.
- Mueller, G. E. (1958). The Hegel legend of thesis-antithesis-synthesis, *History of Ideas*, 19 (3), 411-414.
- Merrifield, A. (1993), 'Space and place: a Lefebvrian reconciliation', *Transactions of the Institute of British Geographers*, 18: 516–31.
- Morton, J. (2010), 'Development for the world's mobile pastoralists, inaugural professorial lecture, Natural Resources Institute, University of Greenwich, among the Israeli Negev Bedouin' *Political Geography Quarterly*, 7. 251–270.
- Newman M E J. (2003), The Structure and Function of Complex Networks. *SIAM Review*, 42, 167-256.
- Radil, Steven. M. and Olivier, J. Walther (2018), 'From Nomadic to Mobile Space: A Theoretical Experiment (1976 – 2012)', *Nomadic and indigenous spaces productions and cognition*.
- Tacoli, C. (1998), *Rural-urban interactions: a guide to the literature*, *Journal of Environment and Urbanization*, Vol. 10, No. 1, pp 1-20.

How to Cite:

Mahmoudian, Farzad, Riahi, Vahid and Azizpour, Farhad. (2022). Analysis of the pattern of nomadic spatial interactions with an emphasis on capital flow (A case study of the babadi clan Bakhtiari tribe). *Studies of Nomads Area Plannig*, 2(2), 21-40.

ارجاع به این مقاله:

محمودیان، فرزاد، ریاحی، وحید و عزیزپور، فرهاد. (۱۴۰۱). تحلیل الگوی تعاملات فضایی عشایر با تأکید بر جریان سرمایه (مورد مطالعه: زیست‌بوم طایفه بابادی ایل بختیاری). *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۲(۲)، ۲۱–۴۰.

Vol. 2 Issue 2 (No. 4), 2022, Pp. 21-40

DOI: 10.22034/JSNAP.2023.384621.1045

DOR: 20.1001.1.28210530.1401.2.2.2.9

Research Article

Analysis of the pattern of nomadic spatial interactions with an emphasis on capital flow(A case study of the babadi clan Bakhtiari tribe)

Farzad Mahmoudian- Ph.D. student, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Vahid Riahi* - Associate Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Farhad Azizpour- Associate Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Receive Date: 20 August 2022

Accept Date: 19 December 2022

ABSTRACT

Introduction: Spatial distinctions of the activity of nomadic activists emerged following the expansion of the infrastructure of capital relations in a way that it is more than relying on the productive resources and characteristics within the territory to serve additional value. It is strongly influenced by the types of interactions outside the territory of the ecosystem (cities-villages). In this regard, the spatial imbalance has formed that improving the communication infrastructure has provided the creative platforms for planning the sustainability of the development and the integrity of the ecosystem.

Purpose of the research: In the framework of the network paradigm, with an emphasis on the approach of the principles of the regional network, in order to analyze the role and functions of summer and winter pastures within the realm of the ecosystem and the relationships and links outside the realm of the ecosystem with cities and villages based on the preservation and or transforming the capital (maintenance in banks, funds and cooperatives, buying and renting property and real estate, increasing livestock and production, insurance) in order to gain more value. Among these effects, he mentioned the spatial differences of the systems and the interference of users on each other's resources.

Methodology: in terms of purpose, it is practical and based on a descriptive-analytical method. According to the nature of the research, the method of data collection is a library research method and field visits based on all the systems at the ecosystem level. The required data and information have been collected from the questionnaire tool and questioning technique. Then, the spatial network analysis method (based on the social network analysis method) has been used. In the framework of this method, the primary analysis criteria are based on the classified indicators of the flows under the conceptual relationships of the adapted elements of the networks. The tool used for analysis is software (Ucinet).

Geographical area of research: The research location was summer pasture systems located in Shorab Tengzai village and Winter pasture systems around the villages (Lali, Andika, Gatund, Shushtar, Masjid Sulaiman) as the whole ecosystem as well as the junctions (Chama, Khoon Kalli, Zarde, Lepad, Chelo, Shimbar and Minar).

Results and discussion: For centralized planning and investment restructuring to achieve sustainable development of the whole integrated ecosystem, it is necessary to know the spatial patterns of interactions and characteristics of relationships - visible and hidden relationships between inside and outside the territory.

Conclusion: The nature of the flow of capital relies on environmental resources (grazing space and pasture), supply and livestock production. With the role of the urban centers of Lali, the ecosystem is limited to three main cities in the neighborhood of the ecosystem. By following the polar spatial pattern, the financial reserves and capital are transferred to buy houses and properties near winter pastures and to buy and increase livestock in winter pastures. Therefore, the cities of Lali, Farsan, and Shahrekord took the first, second, and third places, and the resorts of Golchin, Chamdar, and Ab Bakshan took the fourth, fifth, and sixth places.

KEYWORDS: Spatial interactions, capital flow, nomadic ecosystem, Babadi clan.

* Corresponding Author

riahi@khu.ac.ir